

چرا «خانه سینما» از عدالت دور است؟

سینمای ایران با مشکلات بسیاری درگیر است، از بیمه هنرمندان، تا بالا رفتن هزینه‌های تولید و دستمزد بازیگران و همچنین موضوعاتی چون رکود تولید و مشکل اشتغال و قاچاق فیلم‌ها و… که به نظر می‌رسد اهمیت چندانی برای مدیریت خانه سینما ندارد.

به گزارش فارس، در بیش از یک دهه گذشته در بیشتر اوقات خانه‌سینما به جای آن که در پی احقاق حقوق اعضا صنف خود باشد به جایی در راستای سودآوری برای سرانش بدل گشته است. این «خانه» بیش از آنکه به فکر معاش اعضای آن بویژه بخش کم درآمدتر شاغل در سینمای کشور باشد، به تبلیغ برای دیدگاه‌های سیاسی مطلوب ریئسان خود از یک سو و جریانی برای چانه زنی در سطوح مدیریتی بالا تبدیل شده است و از وظیفه اصلی خود یعنی تلاش در راستای حقوق تمامی افراد صنف و نه تنها کارگردانان، بازیگران و تهیه‌کنندگان چهره غافل مانده است.

سینمای ایران با مشکلات بسیاری درگیر است، از بیمه هنرمندان، تا بالا رفتن هزینه‌های تولید و دستمزد بازیگران و همچنین موضوعاتی چون رکود تولید و مشکل اشتغال و قاچاق فیلم‌ها و… که به نظر می‌رسد اهمیت چندانی برای مدیریت خانه سینما ندارد.

دیروز «آرش فهیم» منتقد سینما یادداشتی درباره خانه سینما و حواشی نشستی که نیمه اول ماه خرداد برگزار شد، نوشت: «شست خبری مرضیه برومند، مدیرعامل خانه سینما نشان داد که تنها نهاد صنفی سینمای ایران، همچنان در محاق حواشی خواهد بود؛ چون خانهای است از پای‌بند سست و روی آبیا وقتی صحبت از «خانه» می‌شود، حس آسودگی، امنیت و آشتی به ذهن متبادر می‌شود. با این حال آنچه به عنوان خانه سینما در ایران فعالیت می‌کند، در اغلب موارد و بخش‌هایش برای اهالی هنر هفتم، محل منیت و قهر و کشمکش بوده است. اما چرا خانه سینما همواره خانهای سست و در مه بوده است؟ جدای از برخی مسائل قانونی و آئین‌نامه‌ای که چالش همیشگی خانه سینما بوده و یک بار هم منجر به انحلال آن شده، این تشکیلات از یک تناقض بزرگ ساختاری رنج می‌برد.

سرریال «سوران» که به‌تازگی روی آنتن شبکه کی سیما رفته است، می‌تواند نوید این مسئله را بدهد که دیگر مانعی برای صحبت از آنچه گروه‌های تجزیه طلب در زمان انقلاب اسلامی بر سر مردم کردستان آوردند، وجود ندارد. به گزارش تسنیم، «سوران» به‌کارگردانی سرروش محمدزاده و تهیه‌کنندگی محبتی فراورده جدیدترین اثر مرکز سریال سوره، به‌تازگی روی آنتن شبکه یک سیما رفته است. فیلمنامه این سریال اقتباسی از کتاب «عصرهای کربسکان» به‌قلم کیوانش گلزاراغب درباره جوانی مبارز در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران است.

ابتدا اگر بخواهیم به پیشینه سروش محمدزاده (کارگردان) اثر اشاره کنیم، باید بگوییم که وی پیش از این، سابقه کارگردانی در تلویزیون و نمایش خانگی را برای سریال‌های «نوار زرد۲»، «سیاوش» و… داشته است. این فیلمساز که تجربه سریال سازی در ژانرهای اجتماعی و پلیسی را دارد، در «سوران» مسیر متفاوتی را پیش گرفته و به سراغ واقعه و کاراکتری در دل تاریخ معاصر رفته است. سریال تلویزیونی «سوران» به‌دلیل موقعیت زمانی و مکانی که روایت می‌کند، فضایی انقلابی دارد، در واقع، می‌توان گفت که مخاطب با تماشای ۲ قسمت ابتدایی با چند نوع شخصیت چالش‌برانگیز و یا تفکرهای مختلف در سریال مواجه می‌شود؛ انقلابیون و طرفداران امام خمینی(ره)، اعضای کومله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) و مأموران ساواک. «سوران» نام کاراکتر اصلی سریال با بازی مهدی نصرتی است که برای حمایت از جریان‌های انقلابی فعالیت می‌کند.

اگرچه در محل زندگی‌اش، خود را بی‌طرف و سرگرم زندگی و کار نشان می‌دهد اما با انقلاب همراه است و در سکانسی هم مشاهده می‌کنیم که نوار صوت ضبط‌شده‌ای از امام خمینی(ره) را گوش می‌کند؛ اما به‌دلیل این‌که در این نوارها در دهه پنجاه ممنوعه بوده است، از طرف ساواک دستگیر می‌شود، در همین ابتدای قصه، ما با قهرمانی در اواخر دهه پنجاه آشنا می‌شویم. همان‌طور که اشاره شد ماجراهای «سوران» در کردستان می‌گذرد و به همین

دو کنسرت در یک روز و در یک مکان!

در حالی که این روزها بازار کنسرت‌ها در اکثر تالارها و سالن‌های کشور داغ است و خوانندگان پاپ و کلاسیک و رپ یکی پس از دیگری به اجراهای چند روزه می‌پردازند، اجرای علیرضا قربانی در فضای روباز کاخ سعدآباد به تیتَر یک اخبار این حوزه تبدیل شده است. علیرضا قربانی که از خواننده‌های خوب کشور محسوب می‌شود در ساعات اولیه روز ۲۱ خرداد ماه در صفحه اینستاگرامش اعلام کرد که از روز ۲۱ خرداد ماه ساعت ۱۸ بلیط فروشی اجراهای وی در کاخ سعدآباد آغاز خواهد شد و علاقمندان می‌توانند با مراجعه به سایت ایرانیتیک نسبت به خرید بلیط اقدام کنند. با توجه به اینکه سایت ایرانیتیک عموماً سایت پرتراפیکی نیست و بیشتر بلیط‌های سینما در این سایت به فروش می‌رود،

هادی مرزبان:

برای «نوبت دیوانگی» سرکارمان گذاشته‌اند

هادی مرزبان کارگردان باسابقه تئاتر از نبود پاسخگویی مشخص درباره تعیین نوبت اجرای تازه‌ترین اثر خود یعنی نمایش «نوبت دیوانگی» از سوی مدیران و

خانم برومند در نشستی خبری که ۹ خرداد امسال برگزار شد، به نکته قابل تأملی اشاره کرد و گفت: «من همیشه براینم سؤال بود این چه جور صنفی است که کارفرما و کارگر با هم زیر یک سقفند. مسائل اصناف با هم یکی نیست و گاهی روبه‌روی هم قرار می‌گیرد. گروه اول تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران هستند. گروه دوم هنرمندان و خالقین اصلی اثر سینمایی هستند و گروه سوم عوامل اجرایی و زیرشاخه‌ها هستند که به نظرم تعداد بیشتری در این گروه سوم متمرکز هستند. تکنیک این‌ها سخت است اما قصد دارم به سمتش بروم و بتوانیم به نظر مجمع عمومی بگذاریم و اجرایی بکنیم.»

آنچه مدیرعامل خانه سینما درباره‌اش صحبت کرده، یکی از مشکلات اساسی این تشکل است. به این



ترتیب که برخلاف خیلی از نهادهای صنفی دیگر که مدیریت آنها به عهده مظلوم و مستحق‌ترین اعضا است، مدیریت خانه سینما به طوری غیرمنطقی به عهده شاه‌نشینان سینما است. فرض کنید در کارخانه‌ای عریض و طویل، یک سندیکا برای حمایت از حقوق صنفی کارکنان تشکیل شود اما در این سندیکا، کارفرمایان و مالکان کارخانه ریاست کنند؛ به طور طبیعی این سندیکا به‌جای اینکه بر پیگیری و دفاع از حقوق کارکنان فرودست متمرکز باشد، نه تنها به سود کارفرمایان از امور صنفی دیگران کوتاهی می‌کند (چون اصلا غیر فرادستان در مدیریت آن نقشی ندارد) بلکه دولت دچار جنگ قدرت و باندبازی و کشمکش با فلان سازمان و آن یکی وزارتخانه خواهد بود. وضعیت همه این سال‌های «خانه سینما» دقیقاً به

نگاهی به سریال «سوران»؛

نمایش جغرافیای مظلوم و کمتر دیده شده

دلیل کاراکترها در سرریال لهجه گردی دارند، البته کاراکترهای سرریال به‌دلیل بخش از رسانه ملی و وجود مخاطبان از سراسر کشور، نمی‌توانند گویش گردی داشته باشند و کارگردان هم به داشتن لهجه گردی برای بازیگران اکتفا کرده است.

یکی از ویژگی‌های مثبت این سریال را در همین ابتدای کار، شاید بتوان طراحی صحنه و لباس آن دانست. اساساً ساخت آثار تاریخی حتی اگر در زمان معاصر روایت شود، با کمی بی‌توجهی از سوی عوامل، منجر به اشتباه می‌شود.

به‌ویژه ما این روزها با مخاطبان ریزبین و جزئی‌نگری روبه‌رو هستیم که به گرمیم بازیگران در آثاری مانند «ستایش» و «کیما» انتقادهای فراوانی وارد کردند، به همین دلیل، مسئله فضاسازی، چهره‌پردازی و طراحی لباس اثر باید با محتوای آن هم‌خوانی داشته باشد. آن‌چه تاکنون از «سوران» روی آنتن رفته است، نشان می‌دهد که کارگردان درباره این موضوع وسواس به‌خرج داده است.

یکی دیگر از نقاط قابل توجه این سریال این است که کارگردان برای پیشبرد قصه، از ترکیب متفاوتی درباره بازیگران استفاده کرده است. مهدی نصرتی بازیگر نقش اصلی، از جمله هنرمندانی است که کار خود را با تئاتر و سینما آغاز کرد و «سوران» نخستین حضور او در سریال تلویزیونی است.

اگرچه اولین کار تصویر وی به فیلم‌های سینمایی «لباس‌شخصی»، «صد» بازمی‌گردد که در چهلمین دوره از جشنواره فیلم فجر برای فیلم «صد» کاندیدای دریافت سیمرغ بلورین برای بهترین بازیگر نقش اول مرد شد اما هنوز این ۲ اثر روی پرده سینماها نرفته‌اند.

زندگی‌یاد حسام محمودی نیز از دیگر بازیگران این سریال است که مدتی پیش

همین منوال بوده است. تا وقتی مدیریت این تشکل در انحصار تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران و کارگردان‌های صاحب قدرت و با نفوذ باشد، این خانه، هم در عدالت‌جویی و پیگیری امور صنفی، کجدار و مرزب عمل خواهد کرد و هم دچار سیاست‌زدگی و حواشی مربوط به باندهای قدرت سینما خواهد بود. همچنان‌که در تمامی این سال‌ها، این چنین بوده است. پس در اولین قدم برای اصلاح نهاد صنفی سینما باید قوانین و ضوابطی طراحی شود تا اصلا اعضای حلقه‌های قدرت، افراد صاحب نفوذ و سیاست‌باز و لابی‌کارها و باندبازها از ورود به هیئت مدیره و شورای سیاستگذاری خانه سینما منع شوند.

به طور طبیعی، بازیگر، تهیه‌کننده، کارگردان یا سرمایه‌گذاری که خودش دغدغه مالی و معیشتی ندارد و طعم اجاره‌نشینی و تأمین شهریه دانشگاه و چیزیه فرزندانش را نچشیده، نمی‌تواند برای طریف وسیعی از کارکنان عرصه سینما که درگیر این مسائل هستند، رفع مشکل کند. و یا، سینماگری که دلبسته یا درستیز با برخی احزاب و جریان‌های سیاسی یا در پی به‌قدرت رساندن فلان فرد و گروه در ساختار سیاسی کشور است، به تبع چنین اهدافی، از حضور در هر تشکل و نهادهی برای اهداف سیاسی مدنظرش کار خواهد کرد. درست مانند عملکرد خانه سینما در برخی بزرنگاه‌های سیاسی که تبدیل به مرکزی برای صدور بیانیه‌های سیاسی و جناحی شد. درحالی‌که «خانه سینما» همان‌طور که از نامش مشخص است، ربطی به گروه‌ها و جناح‌های سیاسی ندارد و مانند یک خانه که باید محل امن و آسایش همه اعضا باشد باید برای همه سینماگرها با هر رویکرد و سلیقه‌ای، پدری کند. بنابراین به‌جای عموم افراد و جمع‌هایی که طی همه سه دهه فعالیت خانه سینما در این تشکل مدیریت و مدیرعاملی کرده‌اند، باید طریف مستضعف سینما و افرادی که خودشان درد محرومیت و طعم ایستادن در صف دریافت وام و تأمین حداقل‌های زندگی را دارند و همچنین شخصیت‌هایی میرا از حب و بغض‌های سیاسی بر مصدر خانه سینما باشند.

از دنیا رفت و هنوز کاراکتر او به مخاطب معرفی نشده است اما باید منتظر ماند و دید استقبال مخاطبان از آخرین نقش‌آفرینی این هنرمند چیست، همچنین علیرضا جعفری و توماج دانش‌پهزادی در نقش‌های متفاوتی نسبت به کارنامه کاری‌شان ظاهر شدند.

بیشتر بازیگران این سریال هنرمندان جوانی‌اند که مخاطب آشنایی با آن‌ها ندارد، شاید بتوان گفت یکی از دلایلی که تهیه‌کننده و کارگردان برای کاراکترهای مختلف به‌دنبال افراد چهره نرفته‌اند، باورپذیری بیشتر برای مخاطب بوده باشد. در این چند دهه گذشته، سریال‌های زیادی با موضوع تاریخ معاصر از جمله دوران قاجار، پهلوی و دفاع مقدس ساخته شدند، اما به‌سختی می‌توان اثری را بیاد آورد که فعالیت احزاب مختلف در کردستان را به‌تصور بکشد. کومله، دموکرات کردستان، دموکرات عراق و… گروه‌های مختلفی بودند که در قالب گروه‌های شبه‌مبارز نظامی فعالیت می‌کردند.

تفاوت عمده آن‌ها با گروه‌های مبارز طرفدار انقلاب اسلامی با وجود اینکه همه در دوره پهلوی در حال مبارزه با نظام شاهنشاهی بودند، این است که سیاست‌های دیگری را در شوه مبارزه دنبال می‌کردند به‌عنوان مثال برای اولین بار به زنان اسلحه دادند و آن‌ها را به‌عنوان نیروی مبارز به میدان آوردند. آن‌ها به مبارزه مسلحانه و تشکیل گروه مستقل و خودمختار در کردستان معتقد بودند. همان‌گونه که اشاره کردیم به‌دلیل حساسیت‌هایی که تا به حال در رسانه ملی و ساختار رسمی و فرهنگی کشور ما وجود داشته است، تاکنون آثار هنری در قالب قصه‌های درام مانند سریال یا فیلم سینمایی با موضوع اتفاقات منطقه کردستان پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ظهور و بروز احزاب کومله، دموکرات و… ساخته نشده است.

البته ناگفته نماند که چند مستند به‌صورت محدود به این موضوع پرداخته‌اند اما برای شناسخت و رسیدن به عقبه و ریشه اتفاقات رخ داده در مناطق مرزنشین و آنچه بر مردم کردستان گذشته است، باید آثار بیشتری تولید کرد و «سوران» می‌تواند جرقه این ماجرا را رقم بزند.

باز کاخ سعد آباد روی صحنه برود. این در حالی است که قربانی نیز در همین روز و از ساعت ۲۱ قرار است در کاخ سعدآباد به اجرا بپردازد و حتی بلیط‌های این روز ساعت را پریش فروش کرده است. با پیگیری‌هایی که انجام دادیم، ابتدا روابط عمومی کاخ سعد آباد از اجرای سهراب پورناظری در کاخ سعدآباد اظهار بی‌اطلاعی کرد و فقط به تأیید خیر اجرای قربانی در این روز تأکید داشت.

همزمان با اعلام خیر اجرای علیرضا قربانی در محوطه باز کاخ سعدآباد، خیر اجرای مشترک سهراب پور ناظری و علی قمصری نیز هواداران این سبک موسیقی را مجاب به پیگیری اخبار ساعت و روز بلیط فروشی این اجرا کرد. نکته قابل توجه در اجرای کنسرت پور ناظری تداخل ساعتی و حتی روزی با اجرای علیرضا قربانی بود. با اعلام روابط عمومی کنسرت‌ها، سهراب پورناظری قرار است روزی سوم خرداد ماه ساعت ۲۰:۳۰ و در محوطه

نگهبان شب ، روایتی از فقری شریف

علی کلانتری

«نگهبان شب» به‌کارگردانی رضا میرکریمی که در برای اولین‌بار در جشنواره جهلم به اکران عمومی درآمده بود این‌روزها میهمان سینماهاست و در جدول اکران قرار گرفته است.

نگهبان شب دوازدهمین اثر بلند «رضا میرکریمی» از همان اول برآیمان یک غافلگیری به همراه داشت، نقش اول داستان رزومه آنچنانی ندارد و برای اهالی سینما چهره شناخته شده‌ای نیست. «تورج الوند» به جز بازی در این نقش در جشنواره جهل و یکم نیز با ایفای نقشی به یاد ماندنی در فیلم «اتفاک گلی» به‌کارگردانی «محمد عسگری» توانسته بود نظر منتقدان را جلب کند و حتی کاندید بهترین بازیگر نقش اول مرد نیز بشود. نگهبان شب در جشنواره جهلم توانسته بود در ۹ رشته نامزد سیمرغ بلورین شود و سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی را از آن خود کند.

رضا میر کریمی کارگردان گزیده کاری که او را با آشناری همچون «خیلی دور خیلی نزدیک» ، «به حبه قند»، «قصرشیرین» و «دختر» بیشتر به یاد می‌آوریم، اینبار به مانند اکثر سوره‌های که خانواده در آنها حرف اول را می‌زند، در نگهبان شب نیز، بنیان خانواده و مصائب ادواج در خانواده‌هایی با ضعف مالی را نشاناه گرفته و سعی کرده به آسیب شناسی این معضل در راستای یک درام خوش ساخت بپردازد. تورج الوند که در فیلم میرکریمی در نقش یک کارگر ساده، نگهبان شیفت شب یک کارگاه ساختمانی می‌شود از همان ابتدا به مخاطب این حس را القا می‌کند که قرار است یک بازی خوب و قابل‌قبول از آن ببیند. با اینکه برای اولین‌بار تورج الوند در فیلم یک کارگردان صاحب‌نام به‌کار گرفته شده ولی به‌درستی و با مهارت خاصی توانسته از پس کار بر بیاید و مخاطب را راضی نگه دارد.

روایت فیلم نگهبان شب سرراست و مستقیم است و می‌توان گفت که تمامی عناصر فیلم ازجمله بازیگران، طراحی صحنه و حتی موسیقی در خدمت فیلم هستند و براهه نمی‌روند اما در چند صحنه میرکریمی با وارد کردن خرده روایت‌های می‌مورد ازجمله بحث انتخابات مجلس و رای‌گیری که حتی حذف این سکانس‌ها هیچ لطمه‌ای به بدنه فیلم وارد نمی‌کورد، کمی مخاطب را سردرگم می‌کند. ولی زمان دربرگیری این سکانس‌ها در حدی است که با کمی اغماض می‌توان از کنارش گذشت و از باقی روند فیلم لذت کافی را برد.

لاله مرزبان که شاید کمتر او را در سینمای ایران بشناسیم با بازی بی‌نقص اش در نگهبان شب توانسته نقشش را به کمال برساند و در مخاطب حس هم‌راز پنداری را بر انگیزد. مرزبان نقش دختری را ایفا می‌کند که به کم‌شنوایی مبتلاست و به‌شدت از عدم اعتمادبه‌نفس رنج می‌برد. بی‌شک بازی در این نقش و اکران عمومی این فیلم در سینماها می‌تواند مرزبان را بیش‌ازپیش به سینمای ایران معرفی کند.گفتنی است ترکیب نایخته تورج الوند با لاله‌مرزبان برای تکامل نیساز به یک بازیگر مناسب داشت و چه کنسی بهتر از محسن کیایی. محسن کیایی که برای اهالی سینما و همچنین مخاطبان آن، نام آشنایی به‌حساب می‌آید و با بازی در نقش‌های جدی و حتی کم‌دی حساب خود را پی س داده و توانسته در هر نقشی خوش بدرخشد، با اضافه شدن به ترکیب نایخته توانزن صحنه و فیلم را از لحاظ تجربه برقرار کند.

نقش محسن کیایی در نگهبان شب رضا میرکریمی چیز جدیدی نیست و فقط در مسیر تکامل فیلم به‌ ایفای نقش می‌پردازد انتخاب میرکریمی برای استفاده از محسن کیایی به‌شدت هوشمندانه بوده است همان‌طور که مشخص است فیلم میرکریمی از ترکیب بازیگران تازه‌کار تشکیل شده به همین خاطر انتخاب بازیگر کارکشته و شناخته شده‌ای مانند کیایی هم در روند تکامل فیلم و هم در فروش بیشتر در گیشه می‌تواند به نگهبان شب کمک بزرگی بکند.

نگهبان شب پنچیدگی خاصی ندارد و از همان ابتدای فیلم سعی دارد ذهن مخاطب را آماده یک روایت خطی بکند فیلم با ریتم مناسبی پیش می‌رود و قصد ندارد که مخاطب را سردرگم و شاید آذیت کند. روایتی شیرین از یک فقر شریف که تا پایان نیز بیننده درگیر داستان و البته بازی خوب بازیگران است. یکی از نکات نگهبان شب این است که برخلاف رویه فیلمسازی اخیر در سینمای ایران که پایان‌بندی فیلم را بر عهده مخاطب می‌گذارند و سعی دارند فیلم را با پایان باز به خورد مخاطب دهند فیلم میرکریمی آغاز و پایان مشخصی دارد. به این معنا که میرکریمی ابتدای فیلم، کتاب را باز می‌کند و تدریس می‌کند آموزش می‌دهد امتحان می‌گیرد و در آخر کتاب را می‌بندد و کلاس را تعطیل می‌کند یعنی مخاطب عام هم که پای فیلم بنشیند می‌تواند در پایان یک نتیجه‌گیری درست از فیلم داشته باشد. فیلم نگهبان شب علاوه بر مسیر مشخص و فیلمنامه منسجم در انتخاب بازیگرهای فرعی هم بسیار عمل کرده و بهه نحوی که کاراکتر دایی در فیلم به خوبی توانسته اثر خود را به روی روند داستان بگذارد و مخاطب را راضی نگه دارد. دایی که در این فیلم پدر لاله مرزبان است با بازی خوب خودش سعی در به تکامل رساندن نقش رسول (تورج الوند) را دارد و با تجربه زیادی که این کاراکتر در تئاتر داشته به این مهم دست پیدا می‌کند و نقش رسول را به تکامل می‌رساند و آن را برای مخاطب باورپذیرتر می‌کند. کلام آخر، فیلم میرکریمی به‌اصطلاح دم‌دستی می‌کنند و پاسخی مشخصی برای نوبت اجرایی «نوبت دیوانگی» ارائه نمی‌دهند. من باید نوبت اجرای نمایش را بدانم تا بتوانم با بازیگران مدنظر هماهنگ کنم. مرزبان در پایان سخنان خود تأکید کرد: دیگر ۲ هفته‌ای هست که پیگیر ماجرا نشده‌ام، اگر نمی‌خواهند کار کنم راحت حرف‌شان را بزنند.

نمایش «نوبت دیوانگی» نوشته پرویز زاهدی و روایتگر ماجرای دیدار شمس و مولانا و عشق کیمیا دختر مولانا به شمس است.

مسئولان تئاتری انتقاد کرد.

هادی مرزبان که از اواخر زمستان سال ۱۴۰۱ قصد تولید و اجرای نمایش «نوبت دیوانگی» را دارد، درباره سرانجام وضعیت اجرای این اثر نمایشی در سال جاری، به مهر گفت: از حدود اسفند سال گذشته پیگیر گرفتن نوبت اجرا برای نمایش «نوبت دیوانگی» بودم ولی حدود ۴ ماه است که پاسخ مشخصی به من داده نشده و آخرین حرفی که به من زده شده این است که متن برای دریافت مجوز در اختیار شورای نظارت و ارزشیابی است. وی تصریح کرد: اگر نمی‌خواهند کار کنم به من بگویند، من آدمی نیستم که برای اجرای نمایش